

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ جولای ۲۰۲۱

رسوائی عشق "حسین شریعتمداری" به طالب!

پنجشنبه- ۱۰ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: در روز های اخیر یکی از خبرهائی که تا حد زیادی توجه رسانه های داخلی و خارجی را به خود جلب نموده، تلاش مذبوحانه ایست که "حسین شریعتمداری" گرداننده و سالار روز نامه کیهان که به نمایندگی از شخص "خامنه ای" آن نشریه را زیر سیطره ارتجاعی خود و نظامشان دارد، در جهت "تطهیر طالب" و این که گویا طالب کنونی دیگر آن طالب قبلی نیست که از پنجه هایش خون بچکد و از هر کجا می گذشت تلی از خاک و خاکستر آلوده به خون از خود به یاد می گذاشت. در یادداشت کنونی مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- آنهایی که با اوضاع ایران آشنائی دارند، می دانند: "حسین شریعتمداری" شکنجه گر و تواب ساز یعنی "زبان و قلم خامنه ای". یعنی آنچه را "خامنه ای" در عرصه ملی و بین المللی "مصلحت" نمی بیند تا خود بر زبان آرد، آن را یا از زبان "حسین شریعتمداری" بیان می دارد و یا به وی اجازه می دهد و یا هم دستور صادر می کند، تا "حرف های آرام و چند پهلوی خامنه ای" را مطابق میل و سلیقه خود تفسیر و تبلیغ نماید.

۲- درک این واقعیت بدان معناست که آنچه از زبان "شریعتمداری" بیرون شده است، در واقع "حرف دل" شخص "خامنه ای" می باشد و با در نظر داشت این که بر مبنای قانون اساسی "رژیم و ولایت فقیه"، "تعیین سیاست های کلان کشور" ایران در کل و "سیاست خارجی" آن به صورت خاص از صلاحیت ها و وظایف "شخص رهبر" یعنی "خامنه ای" می باشد، در نتیجه تعریف و تمجید "شریعتمداری" از طالب، یعنی مورد قبول قرار داشتن طالب از جانب "خامنه ای".

۳- با درک این روابط، دولت دست نشانده و وزارت خارجه آن باید متوجه باشند که خم و چم کردهای وابسته به قوه اجرائیه "رژیم ولایت جهل" اعم از به اصطلاح "رئیس جمهور" آن کشور و یا هم وزارت خارجه آن، فقط بازار تیزی کاسبکارانه و کلاه بازی به منظور اغفال طرف مقابل است و هیچ گونه ارزشی در مناسبات بین المللی و منطقه ئی ندارد. در نتیجه اینها باید بدانند که "رژیم ولایت فقیه" روی ده ها دلیل می خواهد طالب را حمایت کند و نباید فریب چرب زبانی های آنها را بخورند.

۴- و اما این که مورد تعریف و ستایش "حسین شریعتمداری" قرار گرفتن، آیا امر خوبیست و یا بد، بر می گردد به این که چه شناختی از "حسین شریعتمداری" داریم. تا جایی که از مطالعه رسانه های مخالف "رژیم و ولایت فقیه"

بر می آید و صحبت هائی که با دوستان ایرانی و یا آنهائی که به علت اقامت های اجباری مدت طولانی در آن کشور زیسته اند، و از ایران شناخت دارند، "حسین شریعتمداری" معروف به "تواب ساز"، یکی از آن جنایتکاران "رژیم ولایت فقیه" است که در سرتاسر ایران، به جز شخص خودش حتا دفتر "خامنه ای" و شخص "خامنه ای" نیز کس دیگری به وی احترام ندارد تا چه رسد به مخالفان نظام و مردم عادی!

این فرد از دید مردم ایران یکی جنایتکاران سفاکی است که به خاطر بقای خودش، حاضر است به مادرش نیز خیانت نموده برایش پایپوش ساخته و توطئه چیند. به گفته یکی از ایران شناسان هموطن ما، میزان و شدت نفرت مردم ایران از "حسین شریعتمداری" به حدیست که اگر یکطرف سر "خامنه ای" گذاشته شود و طرف دیگر سر "شریعتمداری"، علی رغم این که مقامش نوکری "خامنه ای" است، باز هم مردم نخست سر وی را قطع خواهند نمود چون "خامنه ای" را کسی می دانند که برای خود و خانواده اش به کشورش خیانت و مردمش را می کشد، مگر این سگ هار برای "خامنه ای" حاضر است ده ها بار بدتر از "خامنه ای" جنایت نماید.

با در نظر داشت میزان نفرت مردم از وی، تعریف وی از کسی در نزد مردم بدتر از هر دشنام و فحشی تلقی شده، نفس تأیید وی از فردی، نهادی و یا دولتی، آن فرد، نهاد و دولت را همسان وی ساخته، در محراق نفرت و انزجار مردم قرار می دهد.

هموطنان گرامی!

در اینجا گریه "سقراط" به خاطر تعریفی که فرد نادانی از وی نموده بود، مصداق معکوس یافته، وقتی انسان جنایتکار و سفاکی مانند "حسین شریعتمداری" فردی و یا نهادی را تعریف می نماید بدان معناست که آن فرد و یا نهاد نیز به مانند یکی از محراق های نفرت خلق ایران، جنایتکار و خاین به کشور و مردمان آن می باشند. تعریف "حسین شریعتمداری" از طالب، بدان معناست که طالب به مانند "شریعتمداری" تا مغز استخوان جنایتکار، خاین و قاتل خلق خودش می باشد. هرگاه طالب به چنان صفاتی متصف نباشد، حتماً مقابل تعریف های "شریعتمداری" موضع می گیرد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!